

شورای امنیت ملل متحد

۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹

نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان
کای آیدا

آقای رئیس، بدون شک، اکنون زمان تصمیم‌گیری در افغانستان و برای افغانستان است. در چند هفته آینده، شماری از تصمیم‌های اساسی اتخاذ خواهد شد، که این تصمیم‌ها با هم امکانات موفقیت برای پایان دادن به جنگ را مشخص خواهد ساخت که در ماه‌های اخیر شدت بیشتری یافته است.

اجازه دهید به چند تصمیم در اینجا اشاره کنم:

به‌زودی نتایج نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری بیستم اگست اعلان و سپس مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

پس از آن، رئیس‌جمهور آینده درباره ترکیب حکومت جدید و برنامه کاری خویش برای سال‌های آینده تصمیم خواهد گرفت.

یکی از تصمیم‌هایی که حکومت باید اتخاذ نماید، چگونگی آغاز روند صلح و مصالحه است.

همچنان باید درباره تعداد و ترکیب آینده نیروهای امنیتی بین‌المللی و افغان تصمیم‌گیری شود.

همچنین باید در مورد اولویت‌ها و تخصیص کمک‌های انکشافی بین‌المللی تصمیم گرفته شود.

در قبال چنین تصمیم‌های مهمی باید تأکید کنم که ادامه همان روش‌های گذشته دیگر گزینه نیست. ما باید ذهنیت خود را تغییر دهیم. هیچ‌یک از کارهایی که باید انجام دهیم، به شکل اساسی کارهای جدید نیست. بخشی زیادی از آن بارها گفته و نوشته شده و حتی در کنفرانس‌های بین‌المللی رسماً مورد توافق قرار گرفته است، اما عملی نشده است. اگر عملی شود، می‌تواند تأثیر بزرگی بالای وضعیت واقعی داشته باشد. اما اگر از تصمیم‌های دشوار خودداری کنیم، وضعیت عمومی همچنان رو به وخامت خواهد رفت.

نخست، انتخابات. بلی، تقلب و بی‌نظمی از سوی مسئولین انتخاباتی، نامزدان و هواداران آنان و همچنین مقام‌های حکومتی صورت گرفته است. میزان اشتراک در انتخابات پایین بود، تقریباً به اندازه انتخابات پارلمان اروپا. اما افغانستان کشوری درگیر جنگ است و یک کارزار طولانی و شدید تهدیدآمیز برای ترساندن رأی‌دهندگان برای رفتن به مراکز رأی‌دهی جریان داشت. از سال ۲۰۰۲ تاکنون، در هیچ روزی به اندازه ۲۰ اگست رویدادهای امنیتی نداشتیم. با این حال، مراکز رأی‌دهی بیشتری نسبت به انتخابات گذشته باز شد. نیروهای امنیتی و کمیسیون مستقل انتخابات تمام تلاش خود را برای فراهم نمودن دسترسی رأی‌دهندگان به خرج دادند. آنان این کار را در کشوری انجام دادند که نه تنها درگیر جنگ است، بلکه زیربناها و نهادهای ضعیف و جمعیت عظیم بی‌سواد را دارد؛ جمعیتی که با برگه رأی دهی روبرو شد که در آن نام‌های ۴۱ نامزد ریاست‌جمهوری بودند.

اما می‌خواهم بر چند نکته مثبت نیز تأکید کنم که اکنون فراموش شده به نظر می‌رسد. کارزار انتخاباتی با مشارکت عمومی بی‌سابقه در افغانستان همراه بود. میان گزینه‌های سیاسی بحث واقعی صورت گرفت، بحثی که این کشور پیش از آن شاهدش نبود. به باور من، این مشارکت نیرومند مردمی ثابت می‌کند که مردم افغانستان خواهان این انتخابات بودند و می‌خواستند روند دموکراتیک این کشور ادامه یابد.

دو هفته پیش بسیاری از مردم به این باور بودند که در آستانه فروپاشی این روند قرار داریم، اما این روند در مسیر خود ادامه یافت. کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی در این مرحله نهایی با هم کار کرده‌اند. با کمک کارشناسانی که از خارج آمده بودند، درباره روند تفتیش برای تعیین میزان تقلب و نتایج نهایی توافق صورت گرفته است. صندوق‌های رأی اکنون به کابل انتقال می‌یابد تا تفتیش نهایی صورت گیرد. این روند در تمام مراحل مطابق به معیارهای بین‌المللی بوده و در انتخابات پیچیده دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این کار ما را قادر می‌سازد تا به نتیجه‌ای معتبر و مشروع دست یابیم. در عین حال، این شیوه تفتیش امکان تعیین نتایج نهایی را در مدت کوتاه فراهم سازد. به این معنا که اگر دور دوم لازم باشد، می‌توان آن را پیش از فرارسیدن زمستان برگزار نموده و از خلأ سیاسی و بی‌ثباتی طولانی جلوگیری صورت خواهد گرفت. شماری از باتجربه‌ترین کارشناسان موجود در عرصه روندهای انتخاباتی و ارقام، علاوه بر افراد برجسته‌ای که در سراسر این روند در ساحه حضور داشتند، ما را یاری کرده‌اند.

چالش کمیسیون شکایات انتخاباتی این خواهد بود که آرای تقلبی را شناسایی و رد نماید، در حالی که رأی‌دهندگانی را که با حسن نیت و در محیط فرهنگی افغانستان رأی داده‌اند، از حق‌شان محروم نسازد؛ محیطی که در آن بسیاری از مردم پیش از این برگه رأی را ندیده یا از قلم استفاده نکرده‌اند.

هنگامی که نتیجه نهایی تأیید شد، نامزدان و هواداران آنان باید به آن احترام بگذارند. آنچه اکثریت قاطع افغان‌ها اکنون می‌خواهند، پایان یافتن این روند، تشکیل حکومت و بهبود زندگی‌شان است.

سپس رئیس‌جمهور آینده افغانستان باید تصمیم‌های مهمی را اتخاذ نماید. پیش از همه، باید حکومتی را تعیین کند که بتواند به مردم الهام ببخشد و اعتماد آنان را جلب نماید. این امر نخستین پیام مهم و ضروری به جامعه بین‌المللی خواهد بود و به تقویت تعهدات مردم در کشورهای کمک‌کننده و اعزام‌کننده نیرو کمک خواهد کرد. در شرایط کنونی که بحث درباره افغانستان در جامعه بین‌المللی رو به افزایش است، چنین پیام اهمیت حیاتی را دارد.

افزون بر این، دیگر نمی‌توانیم اجازه دهیم جنگ سالاران و زورمندان گذشته و سیاست تفرقه‌افگانه آنان، نهادهای آینده را آلوده سازند. ما به هدف واحد و تقسیم مسئولیت نیاز داریم، چیزی که تاکنون وجود نداشته است. از میان بردن نفوذ نیروهای تفرقه‌افکن گذشته یک‌شبه ممکن نیست. این نیروها نیز باید درک کنند که در جنگی که از نظر دامنه و شدت گسترش می‌یابد، از آنان انتظار می‌رود از سیاست‌های تفرقه و منافع شخصی عقب‌نشینی کنند.

نباید به زورمندان محلی و منطقه‌ای اجازه داده شود تلاش‌ها برای ساختن افغانستان منسجم را مختل نموده و فرصت‌هایی را در اختیار شورشیان بگذارند. جامعه بین‌المللی در این زمینه نقش مهمی را ایفاء میکند. به جای امتیاز دادن و ثروتمند ساختن کسانی که با روش‌های غیردموکراتیک و غیرقانونی با حکومت مخالفت می‌کنند، باید روشن سازیم که بدیل واحد بودن هدف، به حاشیه رانده شدن است.

دومین چالش برای رئیس‌جمهور آینده، تدوین برنامه‌ای است که واقعاً به نگرانی‌های مردم پاسخ بدهد. حکومتداری بهتر در سطح ولایت و ولسوالی، مبارزه گسترده با فساد، احترام بیشتر به حاکمیت قانون، پایان دادن به فرهنگ معافیت و ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی باید بخش‌های مهمی این برنامه باشد. به «پیمان» تازه‌ای میان حکومت افغانستان و مردم نیاز داریم. این پیمان سنگ تهداب تعهد تازه جامعه بین‌المللی به افغانستان خواهد بود.

اکثری اوقات از من پرسیده می‌شود که آیا کمک‌های ما باید مشروط باشد. از دید من، در عمل شرط‌های وجود دارد. تصمیم‌های کشورهای کمک‌کننده و اعزام‌کننده نیرو نه در میزهای نشست سران، نه در میزهای حکومت‌ها و حتی نه در این میز شورای امنیت اتخاذ می‌شود؛ بلکه در اطراف میزهای آشپزخانه و اتاق‌های نشیمن گرفته می‌شود، جایی که افکار عمومی شکل می‌گیرد. قوت آن حمایت عمومی به آمادگی حکومت افغانستان برای نزدیک شدن به نگرانی‌های مردمش بستگی دارد. حکومت آینده افغانستان باید این موضوع را نیز درک کند.

جامعه بین‌المللی نیز باید تصمیم‌های مهمی را اتخاذ نماید. در بخش امنیت، جنرال مک کریستل ارزیابی خود را ارائه کرده است. این ارزیابی روشن، صریح و ضروری است. محورهای اصلی آن عبارت‌اند از ضرورت تغییر فرهنگ عملیاتی و نزدیک شدن به مردم، بهبود یکپارچه‌گی تلاش‌ها، تمرکز منابع و افزایش مؤثریت نیروهای ملی امنیتی افغانستان. من از این ارزیابی، به‌ویژه تأکید آن بر حساسیت فرهنگی و ضرورت ایجاد رابطه‌ای متفاوت با مردم در بسیاری از مناطق، استقبال می‌کنم.

منی‌خواهم درباره بحث نیاز به نیروهای جنگی بیشتر بین‌المللی اظهار نظر کنم، اما می‌خواهم درباره چشم‌انداز درازمدت سخن بگویم. ما بر سر ضرورت بهبود قوت و ظرفیت اردوی افغانستان و پولیس توافق داریم.

افزایش شمار اردوی افغانستان جلوتر از برنامه است و ممکن است به جای سال ۲۰۱۲ که قبلاً در نظر گرفته شده بود، تا اکتوبر سال آینده به هدف ۱۳۴۰۰۰ نفر برسد. این امر امیدوارکننده است. در سال‌های بعدی افزایش قابل ملاحظه دیگری نیز لازم خواهد بود. اما اگر اردو مسئولیت بیشتری بپذیرد و عملیات مستقل انجام دهد، بسیاری از چیزهای دیگری فراتر از ارقام نیاز خواهد بود. تصمیم در باره تدارک تجهیزات و سلاح باید به‌زودی اتخاذ گردد. همچنان نیروهای بین‌المللی بیشتری برای آموزش و راهنمایی در ساحه لازم خواهد بود.

پولیس افغانستان نیز در وضعیت مشابه قرار دارند. تصمیم افزایش تعداد پولیس قبل از پایان سال باید به حدود ۱۴۰۰۰۰ هزار نفر برسد. اما باز هم مسئله تنها تعداد آنان نیست. میزان کنونی ترک خدمت در پولیس افغانستان ۲۰ تا ۲۵ درصد است. این امر ضرورت آموزش بهتر، تجهیزات بهتر و انگیزه‌های بهتر را نشان می‌دهد.

تمام این موارد، یعنی آموزش، راهنمایی و تجهیز اردوی افغانستان و پولیس، نمی‌تواند صرفاً تلاش ایالات متحده باشد. مشارکت گسترده‌تری کشورهای جهان لازم است. بنابراین، از دیگر کشورهای کمک‌کننده جداً می‌خواهم تلاش‌های خود را هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر منابع مالی افزایش دهند. سه ساعت پیش نیز در گفت‌وگو از طریق ارتباط ویدیویی با سویدن، همین درخواست را از وزیران دفاع اتحادیه اروپا نیز مطرح کردم.

در بخش ملکی، دو عرصه اصلی را می‌بینم که باید اکنون به‌طور عاجل در اولویت قرار گیرد.

نخست، نهادسازی است. اگر حکومت افغانستان می‌خواهد ارتباط بهتری با مردم خود برقرار نمایند، برنامه بزرگ نهادسازی لازم است؛ همان‌گونه که پیش از این گفته‌ام. این برنامه را می‌توان به پنج بخش ذیل تقسیم کرد:

آموزش و تحصیل کارمندان ملکی کنونی و آینده. چارچوب‌های نهادی از قبل وجود دارد، اما باید گسترش یابد. امروز ۲۵ درصد ولسوالان یا بی‌سواد اند یا فقط آموزش ابتدایی را دارند.

ساخت زیربنای محلی. امروز نیمی از ولسوالان دفتر ندارند؛ دو سوم آنان برق و یک سوم آنان وسایط نقلیه ندارند.

ایجاد شبکه تکنالوژی معلوماتی که والیان و ولسوالان را با ادارات زیربند در کابل و با برنامه‌های ملی انکشافی افغانستان وصل نمایند.

تقویت انگیزه‌ها. وقتی یک ولسوال ماهانه ۶۰ دالر معاش می‌گیرد، جذب افراد واجد شرایط به ولسوالی‌های خطرناک دشوار می‌شود.

تأکید بیشتری بر تقرری‌های مبتنی بر شایستگی و پاسخگویی.

حکومت باید آمادگی خود را برای مبارزه با فساد و تقویت نهادهای شان نشان دهد. اما مسئولیت ایجاد حکومتداری کارآمد و پاسخگو مسئولیتی مشترک است. کاستی‌هایی که از آن تذکر به عمل آمد، پیچیدگی مشکل را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که باید درباره سرعت پیشرفت، انتظارات و واقع‌بینانه را داشته باشیم.

اولویت دوم ما انکشاف پایدار اقتصادی است. بی‌صبری فزاینده در جامعه بین‌المللی و ضرورت نشان دادن نتیجه در برابر همه قربانی‌ها و منابعی را که اختصاص یافته است، درک می‌کنم. با این حال، این وضعیت نباید ما را به فشار شتاب‌زده برای نتایج فوری در بخش انکشافی فعالیت‌ها سوق دهد. اگر چنین شود، ما را از آنچه برای انکشاف اقتصادی پایدار لازم است، دورتر خواهد کرد؛ انکشافی که افغانستان را قادر سازد به شکل تدریجی بر منابع خود تکیه کند.

ما به رویکردی دو مسیره نیاز داریم: پروژه‌های عملی در مناطق درگیر جنگ که بتواند به شکل قابل مشاهده کیفیت زندگی مردم را افزایش دهد؛ و سرمایه‌گذاری بیشتر در پروژه‌های درازمدت که بر محرک‌های رشد در بخش‌های باثبات کشور متمرکز باشد و بتواند جمع‌آوری عواید را افزایش و وابستگی به کمک خارجی را به تدریج کاهش دهد. امروز توازن کاملاً نادرست است و منابع و توجه بسیار کمی به سرمایه‌گذاری درازمدت اختصاص یافته است. این وضعیت موجب خواهد شد بخش زیادی از کارهایی که انجام داده‌ایم، ظرف چند سال ناپایدار گردد.

در نشست گروه هشت در تریست، به نمایندگی از حکومت و ملل متحد پیشنهادهایی برای پروژه‌های عمده زیربنایی ارائه کردم: خط آهن و شبکه برق که در کوتاه‌مدت هزاران افغان را به کار خواهد گماشت و در درازمدت افغانستان را قادر خواهد ساخت از منابع غنی معدنی خود، به‌ویژه ذخایر عظیم آهن، بهره‌برداری کند. این پروژه‌ها سکتور خصوصی را تحریک و برای بخش‌های مهم کشور محرک رشد فراهم خواهد کرد.

در این زمینه، تفکر افغانستان نسبت به فکر ما پیشرفته‌تر است. در نشست نمایندگان ویژه در پاریس در اوایل همین ماه، سندی را توزیع کردم که توسط وزیر مالیه و ملل متحد تهیه شده بود و سازمان‌دهی مجدد تلاش‌های حکومت افغانستان و رویکرد آن به انکشاف اقتصادی را پیشنهاد می‌کرد. پیشنهاد این است که به جای هفت کمیته بین‌وزارتی سکتوری، سه کستر اصلی ایجاد شود: زراعت و انکشاف دهات، انکشاف منابع بشری، و زیربنا و رشد اقتصادی. این طرح نشان‌دهنده تغییر بنیادی از رقابت بدون اولویت میان وزارت‌ها به سوی رویکردی راهبردی برای رشد اقتصادی پایدار است. آرزو می‌کنم بتوانیم از آن پیروی کنیم، زیرا دستگاه‌های کمک‌رسانی ما امروز بیش از حد انعطاف‌ناپذیر اند و توان پاسخ‌گویی به پالیسی‌های تازه و بهتر را ندارند.

در پایان، ما در آغاز اشاره کردم که حکومت جدید باید برنامه صلح و مصالحه را تدوین و درباره آن تصمیم‌گیری نماید. برخی، به‌ویژه در جامعه بین‌المللی، از روند ادغام مجدد مجزا از چنین برنامه‌ای سخن می‌گویند. می‌خواهم در این زمینه خواهان احتیاط شوم. نخست، هر نامی که بر این تلاش گذاشته شود، باید به رهبری حکومت افغانستان و با حمایت جامعه بین‌المللی باشد. دوم، تفکیک میان طالبان تند رو و آن "میان‌روهای" که گویا با پول می‌توان جذب‌شان کرد، در واقع ساده‌انگارانه است. باید بهتر تحلیل کنیم که چه کسانی شورش میکنند. بلی، شورشیان آشتی‌ناپذیر وجود دارند و کسانی نیز هستند که به دلایل مالی به شورش پیوسته‌اند. اما افراد زیادی به دلیل احساس محرومیت سیاسی و اجتماعی به شورش پیوسته‌اند. این وضعیت به روند سیاسی، مشارکت گسترده‌تر و نظام عدلی نیرومندتر نیاز دارد. تفاوت‌های مهمی از یک منطقه تا منطقه دیگری وجود دارد. شورش مسئله‌ای چندعلتی است و باید به همین شکل با آن برخورد شود. نسخه‌های ساده کار نخواهد کرد. ما، یعنی جامعه بین‌المللی، می‌توانیم و باید نقش حمایتی داشته باشیم؛ اما بگذاریم افغان‌ها راه پیش روی خودشان تعیین کنند.

آقای رئیس، درخواست‌های متعددی برای برگزاری کنفرانس تازه بین‌المللی درباره افغانستان مطرح شده است و من از آن حمایت می‌کنم. با این حال، اگر امنیت اجازه دهد، باور دارم نخستین چنین کنفرانسی باید در کابل برگزار شود. کنفرانسی در

کابل در سطح وزیران و در چارچوب تثبیت شده بورد مشترک انسجام و نظارت، پیام سیاسی نیرومندی خواهد بود و نشان خواهد داد که وارد راهبرد انتقال می شویم؛ راهبردی که در آن تمرکز اصلی باید بر "پیمان" میان مردم افغانستان و حکومت شان باشد و حکومت افغانستان مسئولیت بیشتری برای آینده کشور خود بپذیرد، در حالی که جامعه بین المللی به تدریج نقش حمایتی بیشتری خواهد داشت. این کنفرانس بر برنامه حکومت جدید استوار خواهد بود و حمایت بین المللی از آن را فراهم خواهد کرد.

اما باور دارم باید به برگزاری کنفرانسی گسترده تر نیز بیندیشیم تا اهداف مشارکت خود را برای سال های آینده در معنایی وسیع تر تدوین کنیم؛ اهدافی که بلند، اما در عین حال واقع بینانه و قابل تحقق باشد و نقشه راه تازه ای برای تعهد متقابل درازمدت فراهم سازد. این کنفرانس چهار سال پس از عقد پیمان افغانستان در لندن برگزار خواهد شد. باید بر برخی موضوع هایی که یاد کردم متمرکز باشد: توانایی حکومت برای به عهده گرفتن مسئولیت های کامل یک دولت مستقل، نهاده سازی، انکشاف اقتصادی، روند صلح و مصالحه و جایگاه آینده افغانستان در منطقه. این کنفرانس پایان یک مرحله از روابط ما و آغاز مرحله ای دیگر را رقم خواهد زد.

پیش از پایان، می خواهم چند خبر خوب را یادآور شوم که توجه زیادی دریافت نکرده، اما مهم است:

نخست، ساحه زیر کشت کوکنار امسال ۲۲ درصد کاهش یافته اند که کاهش عمده در ولایت هلمند را نیز شامل آن می شود. حجم تولید ۱۰ درصد کاهش یافته و شمار ولایت های عاری از کوکنار از ۱۸ به ۲۰ افزایش یافته است.

دوم، در ماه آگست، پرویز کامبخش، محصل جوانی که به دلیل دریافت مطالب مربوط به تفسیر قرآن از اینترنت به اعدام محکوم شده بود، به دلایل بشردوستانه مورد عفو ریاست جمهوری قرار گرفت. این قضیه توجه جهانی را جلب کرده بود. او اکنون آزاد است.

سوم، در جریان کارزار روز صلح ملل متحد، ۱،۲ میلیون کودک در برابر پولیو واکسین شدند. تنها به ۳ درصد کودکان مورد هدف دسترسی حاصل نشد که عمدتاً به دلیل جنگ جاری بود. با همکاری همه، از جمله طالبان، دسترسی به مناطقی فراهم شد که در سال های گذشته غیرقابل دسترسی بود. برای ما در ساحه، این یک خبر خوب و مهمی است و برای کودکانی که جان شان نجات می یابد، اهمیت بیشتری را دارد.

در نهایت، شما در همین ماه مجموعه ای از معیارها را مطابق دستور قطعنامه ۱۸۶۸ شورای امنیت دریافت کرده اید. این معیارها پس از بحث در کابل درباره این که آیا باید مختص یوناما باشد یا ماهیت عمومی تر داشته باشد، تدوین گردید. درباره گزینه دوم اجماع وجود داشت. این نخستین تلاشی است و پس از بحث در اطراف این میز و در کابل، بیشتر دقیق و خوبتر خواهد شد.

به باور من، ملل متحد تلاش های خود را طبق مأموریتش، به ویژه در هماهنگی موضوعات سیاسی و انکشافی، گسترش داده است. این کار ادامه خواهد یافت. هدف ما گسترش بیشتر در سراسر کشور است و نیت دارم در ماه های آینده چهار دفتر تازه را ایجاد کنم. همچنان به تلاش هماهنگ کننده نیرومندتر، عمدتاً در عرصه های انکشاف و حکومتداری، نیاز است. از همین رو برای بودجه سال آینده منابع اضافی درخواست کرده ام تا مأموریت به شکل کامل تر عملی شود. اما همان گونه که پیش از این گفته ام، مسئله تنها تعداد کارمندان نیست. ما به پرسونل متخصص نیاز داریم که یافتن آن دشوار است. بنابراین از شما می خواهم به حمایت دوامدار خود ادامه دهید و در یافتن افرادی که در این محیط بسیار دشوار به آنان نیاز داریم، ما را یاری نمایید.

تشکر، آقای رئیس.